

داستانهای قرآنی؛ سیمای پیامبر اعظم (ص) در قرآن

نویسنده : مرضیه ارزانی

۵۰

بارها و بارها زندگی و روش و منش پیامبر اعظم (ص) را مطالعه کردم و هر بار که زندگی سراسر درس او را میخواندم؛ بیشتر به فکر فرو میرفتم. گاه اشک امانم نمی داد و با چشمانی اشک آلود در رفتارهای کریمانه او محو میشدم. آن حضرت نمونه انسانی کامل و الهی است که شایسته اسوه و الگو قرار گرفتن است. از این رو، قرآن درباره او فرمود: (لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة)؛ همانا بر شما در سیره رسول خدا الگو و سرمشقی نیکو است. (سوره احزاب، آیه ۲۱) و آیه ۴ و ۶ و یک بار در مورد حضرت محمد (ص) به کار رفته است. براساس آیه بالا، پیامبر اعظم (ص) سرمشق و الگوی نیکو در امور دنیا و آخرت است. آن حضرت در ایمان و اخلاص، زهد و تقوا، صبر و استقامت، توکل و فداکاری، شجاعت و دلاوری، نظم و پاکیزگی، عبادت و خودسازی و در تمام کردارها و گفتارها کاملترین سرمش برای انسانها به شمار میرود. رأفت پیامبر: پیامبر اسلام اشتیاق فراوانی به هدایت بندگان خداوند داشت و از گمراهی آنان به شدت رنج میبرد. خداوند در این زمینه فرمود: (لقد جاءکم رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم) همانا پیامبری از خودتان آمد که رنج بردن شما بر او گران است و به «ایمان» و «نجات» شما بسیار حریص است. (سوره توبه، آیه ۱۲۸) آن حضرت چنان به هدایت مردم حریص بود که احتمال میرفت حتی جان خود را در این راه از دست بدهد. از اینرو، این آیه نازل شد: (لعلک باخع نفسک الا یکنوا مؤمنین)؛ شاید به خاطر آنکه آنها ایمان نیاوردند، خود را به هلاکت افکنی. (سوره شعراء، آیه ۳) بخشنده‌گی: روزی پیغمبر اکرم ۱۲ درهم به حضرت علی (ع) داد تا پیراهنی برای او بخرد. امام علی (ع) پیراهنی را به همان قیمت خرید و به خانه بازگشت. حضرت رسول فرمود: اگر پیراهنی با قیمت کمتر میخریدی، بهتر بود. بیا با هم به بازار برویم و اگر صاحب جنس قبول کرد، جنس ارزان تری بخریم. حضرت رسول با مولای متقیان به سوی بازار راه افتادند. بعد از پس دادن پیراهن، در راه کنیزی را دیدند که میگریست. علت را پرسیدند. گفت: مولای من چهار درهم به من داده بود تا چیزی بخرم، اما من آن را گم کردم و اکنون میترسم که به خانه برگردم. پیامبر اکرم (ص) چهار درهم به او داد و آن گاه پیراهنی به قیمت چهار درهم خرید. هنگام بازگشت، برهنهای را دیدند. لباس را به او بخشیدند و بار دیگر به بازار برگشتند و پیراهن دیگری خریدند. در راه بازگشت به منزل، دوباره همان کنیز را دیدند که ناراحت است و میگوید: چون برگشتن به خانه طول کشیده، می ترسم مرا بزنند. پیامبر همراه کنیز به منزل مولای او رفت، صاحب خانه به احترام تشریف فرمایی پیامبر اکرم (ص) کنیز را بخشید و او را آزاد کرد. رسول اکرم

فرمود: چه دوازده درهم با برکتی بود که دو برهنه را پوشاند و یک نفر را آزاد کرد. (بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۵) غزالی میگوید: رسول خدا (ص) بخشندهترین مردم بود. هرگز شبی نمیگذشت که درهم و دیناری نزد او بماند و اگر چیزی زیاد میآمد و تا شب کسی را نمییافت که به او ببخشد، به خانه نمیرفت تا آن را به مستحقش برساند. از آنچه خداوند روزیاش کرده بود، بیش از آذوقه همان سال برنمیداشت و بقیه را در راه خدا مصرف میکرد. آذوقه او از میسرترین چیزی بود که مییافت؛ مانند خرما و جو. هرچه از او میخواستند، عطا میکرد. او با فقرا مینشست و با تهیدستان هم غذا میشد. (سنن النبی، ص ۴۶)